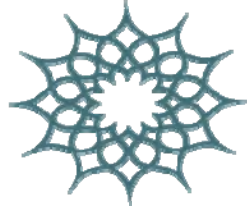


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده ادبیات

پایان نامه دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی  
**بررسی انتقادی مهمترین قطعات و بیت‌های الحاقی شاهنامه**

استاد راهنما:

دکتر زهرا پارساپور

استادان مشاور:

دکتر ژاله آموزگار - دکتر حسین نجفدري

پژوهشگر:

ابوالفضل خطیبی

آذر ۱۳۹۴



## سپاسگزاری

شایسته است نخست از استاد ارجمند سرکار خانم دکتر زهرا پارساپور، دانشیار و رئیس پژوهشکده ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی سپاسگزاری کنم که پس از طرح موضوع پیشنهادی رساله، از آن نیک استقبال فرمودند و در مراحل مختلف تصویب آن تا به امروز نگارنده را از راهنمایی‌های خود بی‌نصیب نگذاشتند. همچنین بر نگارنده فرض است از بانوی دانشمند، دکتر ژاله آموزگار که مانند همیشه بر من منت نهادند و مشاوره رساله را پذیرفتند و نیز از جناب آقای دکتر حسین نجفداری استاد عزیزم در درس *شاهنامه* در مقطع دکتری، که با خوشرویی تمام از طرح رساله استقبال کردند و مشاوره رساله را پذیرفتند، سپاسگزار باشم.

تقدیم به همسر، برای همهٔ شکیبایی‌هایش ...

## چکیده

از همان قرن پنجم هجری، خوانندگان، کاتبان و مالکان نسخه‌های شاهنامه، قطعات و بیت‌هایی را خود سرودند و به جای جای شاهنامه افزودند و از حدود دو قرن پیش به این سو مصححان و پژوهندگان بسیار کوشیدند تا با شواهد و دلایل گوناگون بیت‌های الحاقی را از اصلی بازشناسند، ولی به سبب گستردگی این الحاقات و نزدیکی برخی از آنها به شعر اصیل فردوسی و مهمتر از همه، وجود برخی از آنها در نسخه‌های کهن شاهنامه، همیشه بین آنان بحث و اختلاف نظر بوده است. در این رساله، مهم‌ترین و مشهورترین قطعات و بیت‌های الحاقی، از نو بررسی شده‌اند. پس از عرضه تاریخچه‌ای از پژوهش‌های دو قرن اخیر در این زمینه، نخست معیارها و ضوابط تشخیص بیت‌های الحاقی از اصلی مدون شده و در فصل‌های بعدی، هریک از قطعات و بیت‌های بحث‌انگیز با این معیارها محک خورده و درباره اصلی و الحاقی بودن آنها داوری شده است. فصل مفصلی از رساله به قطعه بسیار معروف منسوب به فردوسی در هجو محمود غزنوی (هجونامه) اختصاص دارد. از آنجا که از این قطعه، تصحیح انتقادی در دست نبود، نخست بر اساس بیش از بیست نسخه شاهنامه، متن انتقادی آن فراهم و در پرتو این متن، اصالت هجونامه بررسی شد و نشان داد که این قطعه نمی‌تواند سروده فردوسی باشد. به طور کلی، در بررسی بیت‌های بحث‌انگیز، مهم‌ترین ضابطه ما مقایسه این بیت‌ها با بیت‌های اصیل شاهنامه به لحاظ سبک شناسی است. از این رو، اگر بیتی به لحاظ سبک‌شناسی با بخش‌های اصیل شاهنامه همخوانی نداشته باشد، حتی اگر در همه نسخه‌های مورد بررسی ما آمده باشد، الحاقی انگاشته شده است. در پایان رساله نشان داده شده است که قطعات و بیت‌های الحاقی شاهنامه هیچ ارتباطی با دو تحریر از شاهنامه، یکی در ۳۸۴ق و دیگری در ۴۰۰ق و نیز با اختلاف میان شمار بیت‌ها در نسخه‌های موجود شاهنامه (حدود پنجاه هزار) و شمار بیت‌ها در سخن فردوسی در شاهنامه (شصت هزار) ندارد. بدین معنی که نمی‌توان قطعه‌ای را فقط به این گمان که در تحریر اول نبوده و در تحریر دوم افزوده شده است، اصلی انگاشت و یا اینکه نباید گمان برد که این قطعات در زمره همان ۶۰ هزار بیت اصیل شاهنامه بوده که بعدها از برخی نسخه‌ها افتاده‌اند.

کلیدواژه‌ها: فردوسی، شاهنامه، قطعات الحاقی، بررسی انتقادی

۱	پیشگفتار
۶	<b>فصل اول: کلیات</b>
۶	- مسأله پژوهش
۷	- موضوع پژوهش
۷	- قلمرو پژوهش
۷	- اهمیت و ضرورت پژوهش
۷	- اهداف پژوهش
۸	- کاربردهای پژوهش
۸	- نوع پژوهش
۸	- سؤالات پژوهش
۸	- فرضیه‌های پژوهش
۹	- تعریف واژه‌های مهم و کلیدی
۱۱	<b>فصل دوم: پژوهش‌های پیشین</b>
۱۹	<b>فصل سوم: ویژگی‌های بیت‌های الحاقی</b>
۱۹	بخش یکم: انگیزه‌های سراینندگان از الحاق قطعات و بیت‌هایی به شاهنامه
۱۹	۱. رساندن بیت‌های شاهنامه از حدود ۵۰ هزار به ۶۰ هزار بیت
۲۲	۲. ذوق‌ورزی‌های شاعرانه برخی شاهنامه‌خوانان و کاتبان
۲۲	۳. گرایش‌های مذهبی افزاینده بیت‌ها
۲۳	۴. گرایش‌های فکری
۲۵	بخش دوم: ویژگی‌های بیت‌های الحاقی و ملاک‌های تشخیص آنها
۲۵	۱. اعتبار و قدمت نسخه‌هایی که بیت‌های الحاقی را دارند
۲۵	۲. ناستواری شعر
۲۸	۳. واژه‌های عربی
۳۰	۴. بی‌تأثیر بودن بیت‌ها و قطعات الحاقی در سیر رویدادهای متن

- ۳۱ ۵. تکرار برخی بیت‌ها و قطعات اصلی در جاهای مختلف شاهنامه
- ۳۲ ۶. سهل‌انگاری در رعایت دستور زبان
- ۳۴ ۷. تکرار و حشو
- ۳۵ ۸. ناسازواری محتوای بیت‌های الحاقی با اصلی
- ۳۵ ۹. به کار رفتن برخی حرف اضافه‌های کهن در بیت‌های الحاقی
- ۳۶ ۱۰. سهل‌انگاری در قافیه‌پردازی
- ۳۷ ۱۱. کاربرد واژگان در معنایی که در زمان فردوسی بدان معنا نبوده‌اند
- ۳۸ ۱۲. نو شدن ساخت‌های کهن زبان در بیت‌های الحاقی

### فصل چهارم: قطعات الحاقی

- ۳۹
- ۴۳ ۱. قطعۀ ستایش خلفا
- ۴۹ ۲. روایت جشن سده در پادشاهی هوشنگ
- ۶۹ ۳. بازگفتن سام ماجرای زال و سیمرغ را نزد منوچهر
- ۷۰ ۴. کشتن رستم زال پیل سپید را و رفتن به کوه سپند به خون خواستن نریمان
- ۷۱ ۵. رفتن رستم به البرزکوه به طلب کیقباد
- ۷۲ ۶. پیش‌درآمد داستان رستم و سهراب
- ۸۲ ۷. ازدواج رستم با ته‌مین به دست موبد
- ۸۴ ۸. روییدن گیاه از خون سیاوخش
- ۸۶ ۹. ازدواج سیاوخش با جریره، دختر پیران
- ۸۸ ۱۰. زادن فرود از مادر
- ۹۰ ۱۱. قطعاتی که احتمالاً بر اساس روایات شفاهی یا طومار نقالان به نظم درآمده‌اند
- ۹۰ - خواستن رستم از خداوند زور قبلی خود را
- ۹۱ - خواندن فریدون گرشاسب را از سیستان به مدد منوچهر
- ۹۲ - نبرد گرشاسب و شیروی
- ۹۲ - اسب‌گزینی سهراب

### فصل پنجم: هجونا‌مه منسوب به فردوسی

- ۹۳ بخش یکم: بررسی تحلیلی
- ۹۳ الف) هجونا‌مه چیست؟



۹۵	ب) پژوهش‌های پیشین
۹۷	ج) گزارش‌های منابع
۱۰۵	د) ارزیابی گزارش‌ها
۱۰۷	ه) بررسی اصالت هجونا‌مه
۱۰۷	۱. بسامد بالای واژه‌های عربی
۱۰۹	۲. نبود پیوندهای اندام‌وار (ارگانیک) میان بیت‌ها
۱۰۹	۳. اطناب
۱۱۰	۴. بیت‌های شاهنامه و منظومه‌های دیگر در هجونا‌مه
۱۱۱	۵. نبودِ بیتی از هجونا‌مه در منابع متقدم فارسی
۱۱۱	۶. ناستواری بسیاری از بیت‌های هجونا‌مه
۱۳۰	و) نتیجه‌گیری در باب اصالت هجونا‌مه
۱۳۳	بخش دوم: نسخه‌ها و روش تصحیح متن هجونا‌مه
۱۳۳	الف) معرفی نسخه‌های هجونا‌مه
۱۳۷	ب) روش تصحیح متن
۱۴۳	بخش سوم: تحریرهای هجونا‌مه
۱۴۳	الف) بیت‌های هجونا‌مه در چهارمقاله نظامی عروضی (قرن ششم هجری)
۱۴۴	ب) هجونا‌مه: تحریر ۱ (الف): قرن هشتم هجری
۱۴۸	ج) هجونا‌مه، تحریر ۱ (ب): قرن نهم هجری
۱۵۵	د) هجونا‌مه، تحریر ۲
۱۵۸	ه) هجونا‌مه، تحریر ۳: آمیزه‌ای از تحریرهای ۱ و ۲ و بیت‌های افزودهٔ دیگر
۱۶۸	بخش چهارم: یادداشت‌های هجونا‌مه
۲۰۴	پیوست: بیت‌یاب هجونا‌مه
۲۲۹	<b>فصل ششم: بیت‌های الحاقی</b>
۲۳۰	بخش یکم: بیت‌هایی که جای آنها در شاهنامه مشخص است

۲۴۸	بخش دوم: بیت‌هایی که جای آنها در شاهنامه مشخص نیست
۲۵۱	پیوست: بیت‌یابِ فصلِ بیت‌های الحاقی
۲۵۳	نتیجه‌گیری
۲۵۸	کتاب‌نامه
۲۷۵	Abstract
۱۴۲	جدول: نسخه‌های هجونا‌مه و شمار بیت‌ها آن فهرست تصویرها
۱۹۲	تصویر ۱: حساب عقود یا شمارش با کمک انگشتان و بندهای دست
۲۱۵	تصویر ۲: هجونا‌مه در نسخهٔ استانبول ۷۳۱ق (س)
۲۱۶	تصویر ۳: هجونا‌مه در نسخهٔ قاهرهٔ ۷۹۶ق (ق ۲)
۲۱۷	تصویر ۴: هجونا‌مه در نسخهٔ لی‌دن ۸۴۰ق (لی)
۲۱۸	تصویر ۵: هجونا‌مه در نسخهٔ لندن ۸۴۱ق (ل ۳)
۲۱۹	تصویر ۶: هجونا‌مه در نسخهٔ لندن ۶۷۵ق (ل)
۲۲۰	تصویر ۷-۸: هجونا‌مه در نسخهٔ شاهنامهٔ بایسنقری ۸۳۲ق (ب)
۲۲۲	تصویر ۹: هجونا‌مه در نسخهٔ مونیخ ۹۰۲ق (م)
۲۲۳	تصویر ۱۰-۱۱: هجونا‌مه در نسخهٔ مجلس ۱۰۱۶ق (ج ۲)
۲۲۵	تصویر ۱۲-۱۵: هجونا‌مه در چاپ سنگی ماکان (ما)

## نشانه‌ها

؟ نشانه پرسش.

(؟) متن روشن نیست.

؟! نشانه پرسش پاسخ در خود.

! نشانه تعجب، فرمان و اخطار.

(!) متن دگرگون شده است.

[ ] در متن، بیت‌هایی که در اصالت آنها جای تردید هست، درون این قلاب جای گرفته‌اند و در پانویس متن، بخشی از یک واژه که در نسخه‌ها افتاده‌اند.

> واژه یا عبارتی که گمان می‌رود در نسخه‌ها افتاده، درون این نشانه جای گرفته‌اند.

← نگاه کنید به.

## کوتاه‌نوشت‌ها<sup>۱</sup>

ج: جلد

ص: صفحه

ب: بیت

س: سال (در نشانی نشریات)

ش: شماره (در نشانی نشریات)

---

۱. برای کوتاه‌نوشت‌های نسخه‌های شاهنامه که در این رساله از آنها استفاده شده است، نک: پایان منابع.

ر: رو (در مورد برگ نسخه)

پ: پشت (در مورد برگ نسخه)

نک: نگاه کنید به

قس: قیاس کنید با

حک: حکومت

## پیشگفتار

در گذشته‌های دور، روایات اساطیری- حماسی ایران، قرن‌ها سینه به سینه انتقال می‌یافت و در زمانی که بر ما پوشیده است، صورت مکتوب نیز یافت، ولی از همان زمان، روایات شفاهی نیز پا به پای روایات مکتوب همچنان از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یافت. پس از اسلام، *خدا/ی‌نامه* ساسانی که مهمترین روایات اساطیری و حماسی و تاریخی ایران باستان را در خود داشت، به عربی و فارسی ترجمه شد. از میان متن‌های منثور فارسی، *شاهنامه/ ابومنصوری* که روایات آن بی‌میانجی بر اساس تحریر یا تحریرهای ویژه‌ای از *خدا/ینامه* پهلوی به فارسی برگردانده شد (۳۴۶ق)، آوازه به‌سزایی یافت. پس از کوشش نافرجام دقیقی در منظوم ساختن این *شاهنامه*، سرانجام فردوسی پا به میدان نهاد و بر اساس آن، منظومه‌ای را در ۴۰۰ق پی ریخت که در آن، روایات باستانی ایران جاودانگی یافت و شاهنامه‌های منظوم و منثور دیگر را در سایه گرفت. از آن پس، *شاهنامه* فردوسی در گوشه و کنار ایران به کتابت درآمد و از نسلی به نسلی دیگر انتقال یافت. شاهنامه‌خوانان از روی همین متن مکتوب، اشعار فردوسی را در محافل می‌خواندند و هم‌زمان، روایات شفاهی حماسه‌های ملی ایران نیز پایه‌ای انتقال مکتوب *شاهنامه* به حیات خود ادامه داد. راویان روایات شفاهی بر خلاف شاهنامه‌خوانان آزادی عمل داشتند و هنگام نقل روایات گذشته، در آنها دخل و تصرف می‌کردند و مطابق ذوق شنوندگان خود مطالبی را حذف می‌کردند یا بر آن می‌افزودند و حتی می‌توان گفت که در هر نقل چه بسا داستان‌ها را بازسرایی می‌کردند. این راویان که به نقل معروف شدند،

طومارهایی داشتند که در آنها، روایات کم و بیش نوشته شده بود. طومارهای بازمانده از نقالان نشان می‌دهد که شاهنامه فردوسی فقط یکی از منابع آنها بوده و در بیشتر موارد روایات آنها با شاهنامه تفاوت داشته است. این تفاوت‌ها را به دو گونه می‌توان توجیه کرد: یکی همان بازسرایی نقالان در هر نقل بود که به روایات شاخ و برگ می‌افزودند، و دیگری که بسی مهم‌تر است، روایاتی است که با روایات شاهنامه متفاوت‌اند و از گذشته‌های دور سینه به سینه به آنان رسیده بود. بنا بر این، امروزه روایات نقالان برای پژوهنده شاهنامه سخت ارزشمند است و همین روایات چه بسا بر زمینه‌های تاریک حماسه ملی ایران روشنی افکنند و در پرتو آنها، پژوهنده شاهنامه به درک و دریافت بهتری از حماسه ملی ایران برسد.

از همان قرن‌های پنجم و ششم هجری، شاهنامه هواخواهان بسیاری یافت و در شهرهای مختلف ایران کتابت و تکثیر شد. این کتابت‌ها همیشه با امانت‌داری همراه نبود، بلکه کاتبان، شاهنامه‌خوانان و مالکان نسخه‌ها به انگیزه‌های گوناگون، در این متن ارجمند دست می‌بردند. گاهی واژه‌ای در بیتی و گاهی نیز کل مصراع یا بیتی را تغییر می‌دادند. برخی از همین اشخاص طبع شعر هم داشتند و با خواندن اشعار شکوهمند فردوسی، زیر تأثیر شکوه سخن شاعر قرار می‌گرفتند و سر ذوق می‌آمدند و خود بیت‌ها یا قطعاتی را می‌سرودند و در حاشیه نسخه خود می‌نوشتند. در مواردی نیز این افراد داستان‌هایی را که جایی خوانده یا از نقلی شنیده بودند، همان را به نظم می‌آوردند و در جایی مناسب در شاهنامه می‌افزودند. بدین ترتیب همین نسخه که در حاشیه آن بیت‌ها یا قطعاتی افزوده شده بود، اساس کتابت نسخه جدیدی قرار می‌گرفت و کاتب جدید هم همین بیت‌ها و قطعات را از حاشیه به متن می‌برد و بدین سان نسخه‌های شاهنامه پر شد از برخی افزوده‌های دیگران؛ تا آنجا که امروزه نسخه‌ای از شاهنامه نیست که از این افزوده‌ها تهی باشد. برای مثال تصور کنید شاهنامه‌خوانی خوش ذوق هنگام خواندن داستان پرآوازه رستم و سهراب به آنجا می‌رسد که رستم بار نخست از سهراب شکست می‌خورد و در گشتی پشتش به خاک می‌رسد و پس از آن با چاره‌گری خود را از چنگ سهراب جوان می‌رهاند. در اینجا شاهنامه‌خوان ما، از نقلی شنیده است که در این زمان رستم از درگاه خداوند می‌خواهد که زور پیشینش را بدو بازگرداند، همان زوری که به سبب آن، پاهایش در سنگ فرو می‌رفت. شاهنامه‌خوان مذکور، همین داستان را در ده بیت می‌سراید و به این بخش از داستان می‌افزاید و کاتبی که نسخه خود را از روی این نسخه می‌نویسد، همین قطعه منظوم را به متن می‌برد. این قطعه در شش نسخه از پانزده نسخه مبنای تصحیح جلال خالقی مطلق هست (برای بررسی این قطعه، نک:

فصل چهارم، ش ۱۱). در مواردی، بر اساس معیارهایی که در فصل سوم به تفصیل درباره آنها به بحث پرداخته‌ایم، می‌توان این قطعات افزوده را از اشعار اصیل فردوسی بازشناخت، ولی در مواردی دیگر که شاعرانی بسیار خوش ذوق که شعر فردوسی را نیز نیک می‌شناختند، برخی قطعات را سروده و به شاهنامه الحاق کرده‌اند، شناسایی این قطعات آسان نیست. مهم‌ترین هدف ما در این رساله بررسی انتقادی مهم‌ترین قطعات و بیت‌هایی است که از همان قرن پنجم هجری تا دوران معاصر به شاهنامه الحاق کرده‌اند. گذشته از اینها، بیت‌هایی هم هستند که در منابع مختلف به نام فردوسی سخت شهرت یافته‌اند، ولی امروزه، در هیچ یک از نسخه‌ها و چاپ‌های شاهنامه باقی نمانده‌اند. این گونه بیت‌های مشهور نیز در حوزه بررسی حاضر قرار دارد. از آنجا که کل قطعات و بیت‌های الحاقی شاهنامه بسیار فراوان است، و از این رو، بررسی حتی شتابزده آنها از حوصله این رساله بیرون است، به ناچار دست به گزینش این قطعات و بیت‌ها زده‌ایم. ملاک عمده نویسنده برای گزینش قطعات و بیت‌ها، اهمیت، شهرت و بحث‌انگیز بودن آنهاست. مهم‌ترین پرسشی که در بررسی این افزوده‌ها رو به روی ما قرار می‌گیرد این است که آیا شواهد و دلایل مصححان و پژوهندگان شاهنامه در الحاقی دانستن این بیت‌ها و قطعات قانع‌کننده است؟ برای پاسخ بدین پرسش پس از اشاره به پژوهش‌های پیشین در باب این موضوع، در فصل سوم، نخست ویژگی‌های بیت‌ها و قطعات الحاقی و نیز معیارهای تشخیص این گونه بیت‌ها را از بیت‌های اصیل شاهنامه شرح خواهیم داد تا بر اساس این معیارها بتوانیم در فصل‌های بعدی به بررسی انتقادی این بیت‌ها و قطعات بپردازیم.

یکی از قطعات معروف و منسوب به فردوسی هجوناومه محمود غزنوی است که تا کنون بحث‌های بسیاری را در بین شاهنامه‌شناسان برانگیخته است. برخی آن را سروده فردوسی دانسته‌اند و برخی دیگر نه، و برخی دیگر راهی میانه رفته‌اند و بخش‌هایی از آن را سروده فردوسی دانسته‌اند و بخش‌های دیگر را سروده دیگران. مثلاً دهخدا در لغت‌نامه، بیت‌های هجوناومه را به نام خود فردوسی به عنوان شاهد لغات درج کرده است و برخی بیت‌های هجوناومه امروزه چنان شهرت دارند که سر هر کوچه و بازاری هست. نخستین نکته‌ای که درباره هجوناومه نظر ما را جلب کرد، این بود که تاکنون هیچ متن انتقادی و منقحی از هجوناومه فراهم نشده است تا بتوان بر اساس آن به بررسی اصالت یا الحاقی بودن آن پرداخت. آنچه از قطعه هجوناومه منتشر شده، همه غیر انتقادی‌اند و از این رو استناد به آنها در یک پژوهش علمی چه بسا به نتایج درستی نینجامد. به همین سبب، در این رساله، فصل مفصلی (پنجم) به بررسی هجوناومه اختصاص یافته است.

گذشته از بررسی انتقادی و تحلیلی، تحریرهای آن را بر اساس کهن‌ترین نسخه‌های شاهنامه از یکدیگر بازخواهیم شناخت و سپس، متن انتقادی آن را با ثبت همه نسخه بدل‌ها به دست می‌دهیم، و سرانجام، به شرح مهم‌ترین بیت‌های آن می‌پردازیم و تاریخچه هر یک را مشخص می‌کنیم.

در بیتی که در اصالت آن تردیدی نیست، فردوسی گفته است که شاهنامه شصت هزار بیت را در بر دارد<sup>۱</sup>، ولی در نسخه‌های قدیمی و در تصحیحات جدید، حدود پنجاه هزار بیت است<sup>۲</sup> و بیشتر پژوهندگان بر این نظر هستند که شمار بیت‌های شاهنامه در همین حدود است. از جمله تئودور نولدکه<sup>۳</sup> با بررسی نسخه‌های مختلف، به این نتیجه رسید که بیت‌های واقعی شاهنامه «چندان هم از پنجاه هزار بیت تجاوز نمی‌کرد» (نولدکه، ۱۳۵۷ش: ص ۱۴۳-۱۴۴). تقی‌زاده نیز بر آن بود که «شاهنامه قریب پنجاه هزار بیت است و شصت هزار بیت مذکور در آن، از باب مسامحه در عدد و مبالغه است» (تقی‌زاده، ۱۳۶۲ش: ص ۱۲۷). از سوی دیگر، در ترجمه کهن بنداری به عربی قطعاتی به تصریح از فردوسی ترجمه شده که امروزه در هیچ‌یک از نسخه‌های شاهنامه باقی نمانده است.<sup>۴</sup> همچنین در برخی فرهنگ‌های کهن فارسی مانند لغت فرس اسدی طوسی (قرن پنجم)، معجم شاهنامه علوی طوسی (قرن ششم) و نیز لغت شهنامه عبدالقادر بغدادی (قرن یازدهم) بیت‌هایی منقول از فردوسی هست که باز هم در هیچ‌یک از نسخه‌های بررسی شده شاهنامه باقی نمانده‌اند (برای فهرست مفصلی از این بیت‌ها در فرهنگ‌های مذکور، نک: رواقی، ۱۳۸۲ش: ص سی و یک - پنجاه). بر این اساس و نیز بر پایه روایت شصت هزار بیت بودن شاهنامه، آیا می‌توان به این نتیجه رسید که شمار بیت‌های شاهنامه به واقع شصت هزار بوده و بعدها به مرور ایام در نتیجه کتابت‌های متوالی بخش‌هایی از آن افتاده است؟ پرسش دیگر این است: آیا می‌توان تصور کرد، قطعات و بیت‌هایی که به عنوان الحاقیات شاهنامه شناخته شده‌اند، در واقع سروده فردوسی است و همان قطعاتی

---

۱. بود بیت شش بار بیور هزار / سخن‌های شایسته و غمگسار (ج ۸، ص ۲۵۹). از این پس ارجاع ما به شاهنامه، همیشه به تصحیح جلال خالقی مطلق در ۱۳۸۶ش است، مگر آنکه مشخصات چاپ دیگری را به دست دهیم.  
۲. چاپ ژول موهل: ۵۲۶۱۴ بیت؛ چاپ بروخیم: ۵۱۱۹۳ بیت؛ چاپ دبیرسیاقی: ۵۳۸۸۲ بیت؛ چاپ مسکو: ۴۹۶۲۶ بیت؛ چاپ خالقی مطلق: ۴۹۵۳۹ بیت (برای این آمار، نک: آیدنلو، ۱۳۹۰ش: ص ۱۵۷).

### 3. Thodor Nöldeke

۴. برای نمونه، برخی قطعاتی که در آنها فردوسی به سلطان محمود اندرز می‌دهد که مانند برخی شاهان ایرانی چون بهرام گور دادگری پیشه کند، در ترجمه بنداری هست، ولی در هیچ نسخه‌ای از شاهنامه باقی نمانده است (برای بررسی این قطعات، نک: آیدنلو، ۱۳۸۶ (ب): ص ۷۵-۹۰).



است که وجود آنها در شاهنامه، شمار بیت‌های آن را تا نزدیک شصت هزار بیت افزایش می‌دهد؟ در این رساله می‌کوشیم با بررسی انتقادی قطعات الحاقی به این پرسش‌ها نیز پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای بدهیم.

در فصل ششم، بیت‌های معروف الحاقی در دو بخش بررسی قرار شده است: یکی بیت‌هایی که جای آنها در شاهنامه مشخص است و دیگری آنهایی که جای آنها را در متن شاهنامه نمی‌توان مشخص کرد. چه در این فصل و چه در فصل چهارم درباره قطعات الحاقی، در برخی موارد به تفصیل بحث کرده‌ایم و در مواردی دیگر به اختصار. در این گونه موارد، تفصیل یا اختصار مطالب، همیشه بستگی به این دارد که نویسنده تا چه اندازه توانسته است، راز بیت‌هایی را که تا کنون مبهم مانده بودند، بگشاید. توضیح بیشتر اینکه، درباره قطعات و بیت‌هایی که نویسنده نظر ویژه‌ای درباره آنها داشته است، صفحات بیشتری به بحث اختصاص یافته است و در موارد دیگری که نویسنده با پژوهندگان پیشین همسو بوده، به اختصار برگزار شده و باقی بحث به آثار همان پژوهندگان ارجاع شده است. برای نمونه درباره قطعه «جشن سده» به تفصیل بحث شده است، ولی درباره قطعه «کشتن رستم زال پیل سپید را» (نک: فصل چهارم، ش ۴) که نویسنده با استاد جلال خالقی مطلق هم‌نظر بوده، به کوتاهی سخن رفته است. نویسنده در این گونه موارد ترجیح داده است تا با نقل قول‌های طولانی پژوهندگان دیگر، بر حجم رساله نیفزاید. نکته دیگر اینکه، به سبب حجم زیاد قطعات الحاقی مورد بحث، درج همه اشعار بی‌جهت بر حجم رساله می‌افزود، از این رو تنها قطعات و بیت‌هایی نقل شده است که خواننده برای درک بهتر مطلب، نیاز دارد آنها را پیش چشم داشته باشد و بدون درج آنها ابهاماتی در بحث رخ می‌نمود. نکته پایانی اینکه، منظور نویسنده از «قطعات و بیت‌های الحاقی» در عنوان رساله این نیست که همه این قطعات یا بیت‌ها حتماً الحاقی‌اند، بلکه مراد ما این است که آنها الحاقی انگاشته شده یا بر سر اصالت آنها بحث‌هایی در گرفته است.

## فصل یکم: کلیات

**مسأله پژوهش:** شاهنامه فردوسی هنوز به پایان نرسیده بود که کاتبان حتی در حضور شاعر به کتابت آن همت گماشتند، ولی همین کاتبان یا شاهنامه‌خوانان به انگیزه‌های گوناگون قطعات و بیت‌هایی به شاهنامه افزودند یا از نسخه‌ها انداختند. برخی از این قطعات به لحاظ سبک‌شناختی و ویژگی‌های زبانی تا حدی مشخص‌اند که سروده فردوسی نتوانند بود، ولی برخی قطعات دیگر که سرایندگان آنها ذوق خوبی داشتند و کوشیدند سبک فردوسی را تقلید کنند، طی حدود ۲۰۰ سال گذشته، همیشه بحث‌انگیز بوده و شاهنامه‌شناسان و مصححان شاهنامه بر سر اصلی بودن یا نبودن آنها اختلاف نظر داشته و دارند. از سوی دیگر به سبب حجم زیاد شاهنامه و دلایل دیگر، کاتبان از همان آغاز کتابت این کتاب ارجمند، قطعات و بیت‌هایی از آن را از قلم انداختند. آنچه این فرض را نیرو می‌بخشد این است که در برخی از منابع فارسی متقدم همچون لغت فرس اسدی طوسی، *راحة‌الصدور* راوندی و حتی برخی فرهنگ‌های متأخر شاهنامه چون لغت شهنامه عبدالقادر بغدادی، قطعات و بیت‌هایی از شاهنامه نقل شده است که در هیچ یک از نسخه‌های کهن و بررسی‌شده شاهنامه باقی نمانده است. بر اساس بیت‌هایی که در اصلی بودن آنها تردیدی نیست، فردوسی خود می‌گوید شاهنامه او مشتمل بوده است بر ۶۰ هزار بیت، ولی نسخه‌های باقی‌مانده از شاهنامه حدود ۵۰ هزار بیت بیشتر ندارند. وجود یا عدم وجود این ده هزار بیت در شاهنامه نیز تا کنون بحث‌های بسیاری را برانگیخته است. از آنجا که کاتبان نیز روایت ۶۰ هزار بیتی

شاهنامه را می‌دانستند، برخی از آنان کوشیدند تا با افزودن قطعاتی از منظومه‌های پهلوانی بعد از فردوسی، چون *گرشاسپ‌نامه فرامرزنامه*، *بهم‌نامه* و جز آنها به *شاهنامه*، شمار بیت‌های آن را به ۶۰ هزار یا حتی بیشتر برسانند.

- موضوع پژوهش: تشخیص قطعات و بیت‌های الحاقی از متن اصلی شاهنامه

- قلمرو پژوهش:

۱. قلمرو جغرافیایی: خراسان بزرگ و در مرتبه بعدی قلمرو جغرافیایی ایران که کاتبان، *شاهنامه* را کتابت کرده و قطعات و بیت‌هایی را بدان افزوده‌اند.

۲. قلمرو زمانی: قرن چهارم هجری، زمان سرایش *شاهنامه* و پس از آن، که کسانی بیت‌هایی را خود سروده و به *شاهنامه* افزوده‌اند.

۳. قلمرو موضوعی: ادبیات حماسی

- اهمیت و ضرورت پژوهش: تا کنون پژوهش‌های جامعی درباره این موضوع جز چند مقاله که برخی از آنها به قلم نگارنده است، انتشار نیافته است. در متن‌های انتقادی و غیر انتقادی منتشر شده تا کنون، بسیاری از قطعات الحاقی در متن *شاهنامه* جای گرفته‌اند و یا بر عکس، برخی دیگر از قطعات و بیت‌های اصلی، الحاقی تشخیص داده شده‌اند. بنابر این، پژوهش حاضر هم تاریخچه کاست و افزودن این قطعات را روشن می‌کند و هم با بررسی انتقادی این قطعات و بیت‌ها، گام‌های مهمی در شناخت متن اصلی *شاهنامه* برداشته می‌شود.

- اهداف پژوهش:

۱. گردآوری مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین قطعات و بیت‌های الحاقی *شاهنامه*

۲. ارزیابی نسخه‌شناختی این قطعات و بیت‌ها

۳. بررسی انتقادی متن‌شناختی (ویژگی‌های زبانی و سبکی) و در صورت لزوم اسطوره‌شناختی و

مردم‌شناختی قطعات و بیت‌ها

۴. جدا کردن قطعات اصلی از الحاقی

۵. بررسی ارزش شعری و محتوایی قطعات الحاقی

- **کاربردهای پژوهش:** این پژوهش می‌تواند به تصحیح جدید شاهنامه کمک کند که در نتیجه آن، متن تصحیح شده به سروده اصلی فردوسی نزدیک‌تر می‌شود. همچنین این پژوهش می‌تواند برای سازمان تدوین کتاب‌های درسی نیز مفید باشد که در تهیه کتاب‌های درسی از درج قطعات یا بیت‌های الحاقی و مشکوک شاهنامه خودداری کنند.

- **نوع پژوهش:** بنیادی

- **سؤالات پژوهش:**

۱. معیارهای تشخیص قطعات و بیت‌های الحاقی از اصلی چیست؟
۲. با توجه به اینکه فردوسی شمار بیت‌های شاهنامه را ۶۰ هزار گفته است، چرا نسخه‌های معتبر شاهنامه بیش از ۵۰ هزار بیت ندارند؟
۳. تحریرهای دوگانه شاهنامه به قلم خود فردوسی با وجود یا عدم وجود برخی قطعات در نسخه‌های شاهنامه چه ارتباطی دارند؟
۴. انگیزه کسانی که قطعات یا بیت‌هایی را به نام فردوسی می‌سرودند و به شاهنامه می‌افزودند، چه بوده است؟
۵. در چه زمان‌هایی قطعات الحاقی بیشتری وارد نسخه‌های شاهنامه شده است
۶. قطعات الحاقی به لحاظ شعری و محتوایی در تاریخ زبان و ادب فارسی چه اهمیتی دارند؟

- **فرضیه‌های پژوهش:**

۱. معیارهای تشخیص قطعات الحاقی از اصلی عبارتند از: معیارهای متن‌شناختی، نسخه‌شناختی، زبان‌شناختی تاریخی و اسطوره‌شناختی. در مورد قطعات نمی‌توان با استناد به یکی از این معیارها در مورد بیت خاصی از این قطعه، به الحاقی بودن کل قطعه حکم کرد. برای شناسایی اصلی یا الحاقی بودن برخی دیگر، از میان معیارهای فوق، نمی‌توان تنها با استناد به معیار نسخه‌شناختی، آن را الحاقی انگاشت، زیرا به هر دلیلی ممکن است کاتبان برخی از نسخه‌های قدیمی آن قطعه را از نسخه خود انداخته باشند.
۲. شمار بیت‌های شاهنامه شاید در اصل حدود ۶۰ هزار بیت بوده است، نه حدود ۵۰ هزار بیت، و کاتبان در کتابت‌های متوالی، به سبب حجم زیاد کتاب، قطعاتی از آن را انداخته‌اند؛ ولی بعداً برای

رساندن شاهنامه به حدود ۶۰ هزار بیت، قطعاتی را خود سروده یا از منظومه‌های حماسی دیگر گرفته و جا به جا به شاهنامه الحاق کرده‌اند.

۳. اگر بر اساس معیارهای چهارگانه یاد شده در بالا تشخیص داده شد که قطعه‌ای که در شماری از نسخه‌ها هست و در شماری دیگر نیست، اصلی است، دو حالت را می‌توان برای آن در نظر گرفت: یا برخی کاتبان آن قطعه را انداخته‌اند و یا مادر نسخه آنان به تحریری از شاهنامه می‌رسیده که آن قطعه را نداشته و فردوسی در تحریر دیگر آن قطعه را افزوده است. وجود دو تحریر مختلف از شاهنامه از دو زمان مختلف - که در وجود آنها تردیدی نیست - به تنهایی نمی‌تواند وجود یا عدم وجود قطعاتی را در نسخه‌ها توجیه کند.

۴. مهمترین انگیزه کاتبان یا شاهنامه‌خوانان در الحاق قطعاتی به شاهنامه این بوده است که - گاه از روی منابع دیگر - با ذوق‌ورزی خود می‌کوشیدند جا به جا سخن شاعر را تکمیل کنند. انگیزه‌های اعتقادی و دینی در مراحل بعدی اهمیت دارند.

۵. از حدود قرن دهم و یازدهم هجری، کاتبان شاهنامه کوشیدند تا با افزودن منظومه‌های پهلوانی دیگر به شاهنامه، شاهنامه جامعی را در اختیار خوانندگان خود قرار دهند.

۶. قطعات الحاقی هم به لحاظ شعری و زبانی اهمیت دارند و هم به لحاظ محتوایی. به لحاظ شعری بازتاب زبان فارسی روزگار سرایندگان آنهاست و از این رو، برای بررسی تاریخ زبان فارسی اهمیت دارند و از آنجا که این قطعات ممکن است از روی متنی سروده شده باشند که امروزه در دست ما نباشد، از نظر محتوایی نیز اهمیت می‌یابند. مانند «روایت کشتن رستم پیل سپید را» در پادشاهی منوچهر و «اسب گزینی سهراب» در داستان رستم و سهراب.

#### - تعریف واژه‌های مهم و کلیدی:

۱. الحاقی: منظور آن گروه از بیت‌ها و قطعاتی است که سرایندگانی جز فردوسی سروده‌اند و در جاهای مختلف شاهنامه، در بین سروده‌های اصلی فردوسی گنجانده‌اند، ولی در عنوان این رساله منظور از این اصطلاح گاه قطعات و بیت‌های بحث‌انگیزی نیز هست که از سوی مصححان شاهنامه به ناروا الحاقی انگاشته شده‌اند.

۲. **قطعات الحاقی:** به متنی منظوم و بیش از یکی دو بیت اطلاق شده است که موضوع واحدی داشته باشند؛ مانند قطعه الحاقی انگاشته شده «جشن سده».
۳. **بیت‌های الحاقی:** به بیت‌های منفردی اطلاق شده است که دیگران سروده و در لابه‌لای بیت‌های اصلی فردوسی گنجانده‌اند.
۴. **تحریرهای شاهنامه:** چنانکه از تاریخ‌های مندرج در انجامة برخی نسخه‌های شاهنامه پیداست، شاهنامه در دو تاریخ به انجام رسیده است: یکی در سال ۳۸۴ق که به تحریر اول شاهنامه معروف است و دیگری در سال ۴۰۰ق که تحریر دوم نامیده می‌شود. مراد از «تحریر»، نگارش متنی است که به سبب کاست و افزودن داستان‌ها و بیت‌هایی با نگارش پیشین متفاوت باشد. فرض بر این است که فردوسی در تحریر دوم، داستان‌ها و بیت‌هایی را به تحریر اول افزوده است.

## فصل دوم: پژوهش‌های پیشین

در دوران معاصر، بحث دربارهٔ قطعات و بیت‌های الحاقی شاهنامه از نخستین چاپ‌های سنگی انتشار یافته در هند آغاز می‌شود. ترنر ماکان<sup>۱</sup> که برای نخستین بار چاپ کامل شاهنامه را در چهار جلد در ۱۸۲۹م در کلکته منتشر کرد، در پایان جلد چهارم، بخشی را به «ملحقات شاهنامه» اختصاص داد و قطعاتی را که از نظر او سرودهٔ فردوسی نبودند و دیگران به متن شاهنامه افزوده بودند، در این بخش قرار داد. این سخن بدین معنی نیست که ماکان هنگام تصحیح متن شاهنامه، بیت‌ها و قطعاتی را از درون متن، الحاقی تشخیص داده و در پایان جلد گنجانده است، بلکه این قطعات، داستان‌های مفصلی هستند که به برخی نسخه‌های متأخرتر شاهنامه الحاق شده بودند. عناوین این قطعات عبارت‌اند از: یکم، «داستان ضحاک و جمشید»، روایتی است جدا از داستان ضحاک در شاهنامه و در حقیقت بخش آغازین گرشاسب‌نامه است که به ماجرای ازدواج جمشید با دختر گورنگ، پادشاه زابل و ماجراهای دیگر اختصاص دارد؛ دوم، «داستان کُک کوهزاد و رزم رستم با او»؛ سوم، «برزنامه»، تحریر بلندتر، از عطایی رازی در قرن دهم هجری که بزرگترین بخش ملحقات را تشکیل می‌دهد و داستان سوسن رامشگر نیز در پایان آن آمده است. درست است که امروزه نزد پژوهندگان شاهنامه آشکار است که این بخش‌ها به هیچ روی سرودهٔ فردوسی نیست، ولی تشخیص ماکان به عنوان نخستین مصحح شاهنامه کامل، در الحاقی دانستن آنها، آن هم در حدود دو قرن

---

1. Turner Macan